

## چند همسری

چکیده: موضوع چند همسری جزو مقوله های بحث برانگیز اجتماعی کشور در چند سال اخیر به شمار می رود. توجه قوای مقننه، مجریه و قضائیه به این موضوع در سالیان اخیر، اهمیت بحث را محرز تر می نماید. حمایت از حقوق زنان، سلامت جامعه و اثرات مستقیم و غیر مستقیم چند همسری بر خانواده به عنوان اساسی ترین نهاد اجتماعی، مهمترین مولفه هائی هستند که موافقان و مخالفان این پدیده در مباحثات خود مورد توجه قرار می دهند.

با این وجود، عواملی همچون تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور در طول زمان، رویکردهای کلی جامعه بشری، احکام اسلام و آیات قابل تفسیر قرآن کریم بر پیچیدگی موضوع می افزایند. در چنین شرایطی، بدیهی است که صرف پرداختن به مباحث نظری برای استنتاج یک نظریه جامع، راهگشا نیست. انجام تحقیقات میدانی صحیح و کافی، راهکار مکملی است که در اینگونه موارد، توجه پژوهشگران ومسئولان را به خود جلب می کند.

تحقیق حاضر، ماحصل یک تحقیق میدانی سه ساله می باشد که در راستای شناسائی دیدگاههای رایج در خصوص چند همسری به عمل آمده است. در این مقاله، بدون آنکه ردّ یا دفاع از نظریه ای خاص مورد نظر باشد، تلاش گردیده صرفاً به بیان دیدگاههای شناسائی شده پرداخته شود.

### مقدمه :

پدیده چند همسری، به نوعی رابطه تعریف شده اجتماعی اطلاق می شود که در آن یک مرد یا یک زن، رسماً و بطور همزمان دارای دو یا چند همسر می باشد. البته حالتی از تعدّد همسر که در آن یک زن بتواند به طور همزمان دارای بیش از یک شوهر<sup>۳</sup> باشد پدیده ای نادر است که فقط در برخی کشورها از جمله تبت، نپال، هند و برزیل مشاهده شده است. بنا براین بطور ضمنی منظور از چند همسری فقط حالتی است که در آن، مردی دارای بیش از یک زن می باشد. رایج ترین شکل این پدیده، داشتن دو همسر برای یک مرد است که در برخی از کشورها از جمله ایران قابل مشاهده است. در بعضی از کشورهای اسلامی از جمله عربستان سعودی، داشتن بیش از یک همسر تا سقف چهار مورد، برای یک مرد کاملاً معمول بوده و این امر چه به لحاظ فرهنگی و چه به لحاظ قانونی کاملاً پذیرفته شده است. این درحالیست که در بسیاری از کشورهای اروپائی و آمریکائی، چند همسری نه تنها به لحاظ فرهنگی، پدیده ای مطرود به شمار می رود بلکه ممنوعیت قانونی نیز دارد.

اما در کشور ما این موضوع، بحث برانگیز بوده و در واقع، جامعه و فرهنگ ما موضع خود را در قبال آن به روشنی تبیین نکرده است. از طرفی تا حدود نیم قرن پیش، پدیده ای رایج به شمار می رفته و از سوی دیگر

در طول پنجاه سال اخیر، رفته رفته از تواتر آن کاسته شده تا جائیکه امروزه به لحاظ شأن اجتماعی که هر زن برای خود قائل است، کمتر زن یا دختری را می توان یافت که حاضر باشد زن دوّم بشود.

بسیاری از افراد به ویژه خانمها به شدت مخالف چند همسری مردان بوده و آن را مظهري از نادیده گرفتن حقوق اساسی زنان می دانند. عده کثیری از صاحب نظران، معتقدند چند همسری موجب تزلزل نظام خانواده است. این درحالیست که عده ای دیگر، با استناد به مجاز شمردن این پدیده در اسلام نه تنها با آن موافقند بلکه آن را به عنوان راه حلی برای بسیاری از مشکلات اجتماعی امروز کشور توصیه می نمایند. نظرات و مواضع سایرین، در طیفی بینابین این دو، توزیع شده است.

دولتمردان و مسئولین کشور نیز در موضعی بینابین، نه به طور کامل آن را ردّ نموده و نه وقوع بدون قید و شرط آن را آزاد گذاشته اند. ظاهراً قوای سه گانه کشور سعی در آن دارند که با تعیین شرایط و حد و حدود برای چند همسری از حریم خانواده، و حقوق زنان و فرزندان حمایت نمایند و در عین حال، مصالح کلی جامعه را نیز تحصیل کنند، اما اینکه در این راه تا چه حد موفق بوده اند جای بحث دارد.

در این میان، کمبود نظریه پردازی خبرگان و متخصصین علوم اجتماعی کاملاً مشهود است. در واقع نقش صاحب نظران در تبیین دیدگاهها و نظریات صریحی که بتواند در هدایت رویکردهای عمومی جامعه در این زمینه، مؤثر واقع شود کم رنگ تر از حدّ انتظار به نظر می رسد. منظور از نظریه پردازی در اینجا صرفاً ارائه یک دیدگاه و دفاع از آن نیست. بلکه منظور، نظریه پردازی اجتماعی به معنای تخصصی آن می باشد به نحوی که فرهنگ ساز باشد و بتواند به طور موثری رویکردهای عمومی جامعه را قانع و هدایت کند.

مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، نظریه پردازی در این زمینه، مستلزم داشتن اطلاعات و تحلیل موضوع از ابعاد مختلف می باشد. شناخت مولفه های کلیدی تاریخی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه امروز، آگاهی از نقطه نظرات و دیدگاههای اقشار مختلف جامعه و به خصوص اطلاع از نظر صاحب نظران، به عنوان برخی از مهمترین پیش نیازها در این باب قابل توجه اند. همچنین تحلیل پیامدهای منفی یا مثبت حاصل از رواج یا محدود کردن چند همسری در جامعه از مهمترین ابعادی است که توجه به آن قبل از هرگونه نظریه پردازی، ضروری است. نیل به این پیش نیازها و توجه به ابعاد اشاره شده، میسر نیست مگر در سایه تحقیقات جامع.

در واقع بدون استمساک به تحقیقات صحیح و وسیع که زوایای مختلف موضوع را روشن سازد، بحث ها صرفاً حالت بیان دیدگاه به خود گرفته و به سمت تعصب بی پشتوانه در موضع اتخاذ شده پیش می روند.

اولین انتقاد محقق به تحلیلهای بسیاری از منتقدین موافق و مخالف چند همسری در کشور نیز همین است. طبیعتاً در هر نظریه ای که صرفاً بر مبنای استدلالات تئوریک، ارائه شده باشد، دیدگاه اولیه صاحب نظر، روی تحلیلهای و نتیجه گیری های او تأثیر گذار خواهد بود. به عبارت دیگر، معمولاً در بحثهای نظری، صاحب عقیده، طوری عوامل را در کنار هم می چیند و تحلیل می کند که به نتیجه مورد نظر او بیانجامد.

آنچه که می تواند اعتبار بحثهای نظری در علوم اجتماعی را محک بزند تحقیقات میدانی است. به عنوان مثال اگر بتوان با اخذ اطلاعات صحیح در مورد یک نمونه هزار نفری، نسبت به بررسی میدانی زندگی زنانی که همسر دوّم شده یا بوده اند اقدام شود و کیفیت زندگی و میزان رضایت آنها به شیوه ای درست سنجیده شود، بهتر می توان دیدگاههای نظری موافقان و مخالفان چند همسری را محک زد. و تکرار این پژوهشهاست که می تواند اطلاعات راهگشا برای خبرگان، عوام، قانونگذاران و مجریان فراهم سازد.

انتقاد دوم محقق، به خبرگان کشور در این زمینه، عدم توجه کافی به دیدگاههای مردم جامعه است. آنچه که در کتب، سایتهای اینترنتی، روزنامه ها، مجلات و کنفرانسها مطرح می شود بیشتر منعکس کننده دیدگاههای خود نگارندگان یا سخنرانان است و کمتر به این مسئله توجه شده که اگر مثلاً دیدگاهی در دفاع از حقوق زنان مطرح می شود، آیا اقشار مختلف زنان جامعه هم عمدتاً با آن موافقند یا نه؟

در واقع محدود بودن دایره دیدگاههای مطروحه، به نظریات افشاری که بر حسب شغل، زمینه تخصصی یا علاقه وارد این مباحثات و تحقیقات شده اند ایراد دوم محقق در این حیثه است. به بیان دیگر، نظر مستقیم اعضای خانواده ها اعم از زنان، فرزندان و مردان که قاعدتاً داعیه حمایت از حقوق ایشان می رود کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است.

ایراد سوّم محقق آن است که در اکثر اظهار نظرها وقتی صحبت از دفاع حقوق زنان به شمار رفته است، بطور ضمنی همه زنان کشور در یک گروه قلمداد شده اند و این نکته نادیده گرفته شده که با در نظر گرفتن متغیرهای مختلف، زنان و دختران جامعه در گروههای متنوعی قابل تقسیم بندی اند. کمتر به این نکته توجه شده که یک اتفاق، رویکرد یا قانون ممکن است حقوق یا امتیازاتی را برای عده ای به همراه داشته باشد اما در عین حال حقوق عده ای دیگر را نادیده بگیرد.

با در نظر گرفتن متغیرهائی از قبیل: شرایط سنی، خانوادگی، اعتقادی، اقتصادی و تحصیلات دختران و زنان به جرات می توان ادعا نمود که نیاز، انتظار و خوشبختی آنها با پیچیدن یک نسخه یکسان برای همه تامین نخواهد شد. و لذا نگارنده به لحاظ دیدگاه شخصی با مطلق گراهای مسائل اجتماعی چه موافقین و چه مخالفین، همسو نبوده و توجه به تفاوتهای اقشار را مورد تاکید قرار می دهد.

با این مقدمه، مقاله حاضر، به عنوان گامی کوچک، تلاشی است در جهت دسته بندی و تبیین برخی از دیدگاههای موجود در قبال پدیده چند همسری در جامعه، که طی یک تحقیق میدانی سه ساله در فاصله زمانی مهر ۱۳۸۵ تا مهر ۱۳۸۸ از سوی محقق شناسائی گردیده اند.

موکداً خاطر نشان می سازد هدف مقاله، صرفاً دسته بندی و تبیین دیدگاههای شناسائی شده بوده و به هیچ وجه در صدد دفاع یا ردّ نقطه نظری خاص نمی باشد.

از دید محقق، توجه به دیدگاههای موجود در متن جامعه و تلاش در جهت استحصال آنها از طریق ارتباط مستقیم با اعضای جامعه به جای پویش آنها از مطالب منعکس شده در کتب، مجلات و سایتهای اینترنتی، نقطه قوت و نوآوری این تحقیق محسوب می شود.

## ضرورت انجام تحقیق

علاوه بر مباحث مطرح شده در مقدمه، دلایل زیر، ضرورت انجام تحقیق حاضر و تحقیقات مشابه را توجیه می نمایند:

موضوع چند همسری، مستقیماً خانواده را به عنوان مهمترین و اساسی ترین نهاد اجتماعی، تحت تأثیر قرار می دهد. اگر محرز شود که این پدیده بر ساختار خانواده و به ویژه در رشد و تربیت فرزندان اثرات منفی دارد، ضروری است که حرکتی جدی در راستای ممنوعیت یا محدودیت آن صورت پذیرد و بدیهی است انجام تحقیقات علمی، از پیش نیازهای ضروری برای هرگونه حرکت در این راستا می باشد.

بسیاری از افراد و صاحب نظران معتقدند چند همسری مردان هم توهین به زن اول ایشان است و هم توهین به زنان بعدی آنها. باور دارند که اصولاً چند همسری، یعنی تبعیض، یعنی پایمال نمودن حقوق اساسی زنان، و برخی از پیشتازان این دسته معتقدند که ازدواج دوم، اصل انسانیت زن را زیر سؤال می برد.

اینکه آیا ازدواج دوم واقعاً توهین به انسانیت زن و نادیده گرفتن حقوق اوست یا نه، و اینکه آیا اصل موضوع زیر سؤال است یا شرایط آن، نیاز به تحقیق دارد. اما در هر حال، نظر این دسته از دو جهت حائز اهمیت می باشد و شایسته است که در تحقیقات، مورد توجه قرار گیرد. اول آنکه این گروه بحث انسانیت و حقوق اساسی زنان را مطرح می کنند. دوم اینکه به نظر می رسد درصد بالایی از صاحب نظران، قائل به این دیدگاه می باشند.

برخی از صاحب نظران معتقدند که مجوز اختیار نمودن همسر دوم، راه کاری شرعی است که اگر در جامعه رواج یابد جایگزین بسیاری از روابط نامشروع خواهد بود. مدافعان این نظریه معتقدند که نباید چشم را بر روی واقعیتها بست. در واقع این اعتقاد وجود دارد که در جامعه امروز ما روابط نامشروع بصورت پنهان وجود دارد و مجوز اتخاذ همسر دوم، به عنوان یک عامل مثبت اجتماعی، تأثیری چشمگیر در کاهش مفاسد جنسی پنهان در جامعه خواهد داشت.

این دسته معتقدند که به موازات سخت گیری برای از بین بردن روابط نامشروع در جامعه و در نظر گرفتن تنبیه برای مرتکبین به آن، باید از راهکارهای شرعی و سالم روابط جنسی حمایت کرد. چون اگر در هر دو زمینه محدودیت ایجاد شود، روابط به شکل پنهان در می آیند که قطعاً نه به نفع زنان است و نه به نفع

جامعه. این دسته معتقدند رسمیت بخشیدن و تعیین حق و حقوق و شرایط برای روابط جنسی در چهارچوبهائی که شرع و قانون مشخص کرده اند در وهله اول به نفع زنان است.

اگر چنین باشد شایسته است که گامهائی جدی در جهت اشاعه این فرهنگ در جامعه برداشته شود. و از آنجا که هر حرکتی زمانی اثربخش خواهد بود که مبتنی بر پژوهشهای صحیح باشد، انجام تحقیق حاضر و تحقیقات مشابه، توجیه می یابد.

قوانین و دستورالعملهای مربوط به تعیین شرایط و ضوابط ازدواج دوّم از سال ۱۳۴۶ تا کنون در چند نوبت از سوی قوای مقننه، مجریّه و قضائیه مورد بازنگری و تغییر قرار گرفته که این امر به نوبه خود حاکی از اهمیت موضوع است. بدیهی است انجام تحقیقات علمی می تواند در جهت دهی به اینگونه بازنگری ها مفید واقع شوند.

تاریخ نشان می دهد که نظریه پردازی های های خبرگان و صاحب نظران، بیشترین نقش را در تحولات فرهنگی و اجتماعی ملّتها داشته است. در واقع تحولات چشمگیر در هنجارهای فرهنگی و اجتماعی یک ملّت در برهه های مختلف زمانی با ارائه نظریات خبرگان و اندیشمندان شروع شده و حمایت های قانونی دولتها و حمایتهای توده مردم موجب گسترش آن گردیده اند. از آنجا نتایج حاصل از تحقیقات علمی می تواند تأثیر قابل توجهی در ایجاد جرقه های ذهنی یا کمک به توسعه ایده های صاحب نظران و اندیشمندان داشته باشد، انجام اینگونه تحقیقات توجیه کافی می یابد.

## روش شناسی تحقیق

### جامعه آماری و محدودیتهای تحقیق

با وجود دسته بندی کلی ارائه شده در قسمت ضرورت انجام تحقیق، دیدگاههای رایج در جامعه در خصوص چند همسری، بسیار متنوع می باشند. علل این تنوع نه تنها از تفاوت در متغیرهای چون: جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، اعتقادات و وضعیت اقتصادی افراد ناشی می شود بلکه بعید نیست که طبقه اجتماعی و محل سکونت افراد نیز در آن دخیل باشد.

از طرفی با وجود مشابهتهای فرهنگی - اجتماعی حاکم بر کل شهرها و روستاهای کشور، به نظر می رسد تفاوت قابل توجهی بین دیدگاههای غالب در جوامع شهری و غیر شهری کشور در خصوص مسائل اجتماعی و از جمله موضوع پژوهش حاضر وجود داشته باشد. همچنین محتمل است که بین کلان شهرها و شهرهای کوچک تر نیز تفاوتی وجود داشته باشد.

لذا اصولاً برای چنین تحقیقاتی باید قبل از هر اقدام، جامعه آماری و جامعه نمونه تحقیق، به دقت تعریف شوند. لیکن به دلایل زیر در این تحقیق این تحدید انجام نشده است:

محدودیت امکانات، زمان و بودجه محقق برای نمونه گیری به تعداد کافی.

قبول یا ردّ فرضیه ای خاص، مورد نظر نبوده و فقط شناسائی دیدگاهها مدّ نظر بوده است.

عدم تعیین جامعه آماری موجب می گردد که نتوان نتایج تحقیق را به اقشاری خاص تعمیم داد. بنابراین اگر در این تحقیق ادعا شود که نتایج به دست آمده، دیدگاههای اقشاری از جامعه هستند محل ایراد خواهد بود اما از آنجا که تنها به عنوان دیدگاههای افرادی از جامعه، مطرح شده، قابل دفاع است.

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پیمایشی است که با مطالعات و نظر سنجی های میدانی محقق در طول سه سال به انجام رسیده است. مشاهده مسقیم و نا محسوس رفتار و گفتار در مورد برخی از افراد تحت آزمون و بحث و تبادل نظر با برخی دیگر از اعضای آزمون به تشخیص محقق، شیوه های مورد استفاده در پی بردن به دیدگاههای واقعی افراد بوده است.

دشواری های پژوهشهای دیدگاه سنجی و رویکرد تحقیق حاضر

یکی از دشواری های پژوهشهای اجتماعی به خصوص در تحقیق نظرات و دیدگاهها آن است که آنچه را افراد در شرایط رسمی اظهار می دارند اغلب با آنچه که قلباً به آن اعتقاد دارند مغایرت دارد. به عنوان مثال، اختلاف معنا داری بین پاسخ افراد به سوالات پرسشنامه های اجتماعی با اظهارات آنها در محافل دوستانه و غیر رسمی مشاهده می شود.

در تحقیق حاضر نیز برای محقق محرز گردید که در بسیاری از موارد، پاسخ اولیه افراد تحت مطالعه با اعتقاد واقعی آنها یکی نیست. به عنوان مثال، اظهار نظر تعدادی از مردان متأهل هنگامی که همسر آنها در کنارشان است متفاوت است از زمانی که همسرشان حضور ندارد.

و یا اظهار نظر برخی از دختران هنگامی که پدر و مادرشان در کنارشان حضور دارد مغایر است با زمانی که ایشان حضور ندارند.

بطور کلی، احتیاط، حُجب و حیا و ملاحظات مختلف افراد در بسیاری از شرایط و از جمله در تحقیقات رسمی مانع از آن می شود که صادقانه عقاید یا دیدگاههای خود را ابراز نمایند. به همین لحاظ، اعتبار

آندسته از نظر سنجی های اجتماعی که صرفاً مبتنی بر پرسشنامه و مصاحبه های رسمی باشد تا حدّ زیادی زیر سؤال است.

معمولاً صادقانه ترین و بی پیرایه ترین گفتارهای افراد در مصاحبت با صمیمی ترین دوستان آنها ابراز می شود. چرا که هم به ایشان اعتماد دارند، هم شرم و حیائی را که مثلاً در کنار والدین، فرزندان یا همسر خود احساس می نمایند در تعامل با دوستان صمیمی خود احساس نمی کنند.

لذا در پژوهش حاضر، محقق به جای پرسش مستقیم و رسمی، در دوره سه ساله این پژوهش تلاش نمود با ایجاد و تقویت روابط نزدیک و صمیمی با افرادی که احساس می شد می توانند موارد مناسبی برای تحقیق باشند، نسبت به استحصال دیدگاههای آنها اقدام نماید. رسیدن به این فضای صمیمانه از راهکارهای زیر دنبال شده است:

بحث و تبادل نظر در جمع دوستان، فامیل و آشنایان نزدیک به منظور بهره برداری از فضای صمیمی موجود با ایشان در استحصال نظرات آنها.

برقراری ارتباط صمیمانه تر با افرادی که قبلاً یک آشنائی و دوستی مختصر با آنها وجود داشته است. این افراد، طیفی از همکاران، همشاگردی های قدیم، دانشجویان، مراجعین و اطرافیان محقق را تشکیل می داده اند.

ایجاد و توسعه روابط دوستی صمیمانه با افراد جدید در فرصتهای مناسب؛ از مراجعه به یک سازمان برای انجام یک کار اداری و یا شرکت در یک سمینار علمی گرفته تا هنگام ورزش عمومی در پارک.

استفاده از سایتهای مختلف اینترنتی در برقراری و تحکیم ارتباطات صمیمانه با برخی از اعضای آنها که احساس می شده گزینه های مناسبی برای پژوهش می باشند.

در طول فرایند تحقیق، نکات زیر همواره مدّ نظر پژوهشگر قرار داشته اند:

رعایت اصول علمی در مشاهده، استنتاج و ثبت نتایج، به گونه ای که تأثیر منابع خطا به حدّ اقل برسد. به خصوص، این نکات مد نظر بوده اند:

افراد مورد مطالعه به هیچ وجه احساس نکنند که در معرض تحقیق یا آزمون قرار دارند.

طرح موضوع و پیشبرد بحثها به گونه ای نباشد که دیدگاهی خاص را به افراد القا نماید یا موضعی را در آنها را تحریک نموده و یا به هر ترتیب دیگر موجب تغییر نظر واقعی آنها بشود.

رعایت کامل موازین اخلاقی و شرعی در تعاملات.

توجه به این مسئله که نوع روابط دوستانه با افراد تحت مطالعه به گونه ای پیش نرود که انتظار خاصی در ایشان ایجاد نموده و موجب سرخوردگی احساسات آنها بشود.

رعایت اخلاق حرفه ای تحقیق یعنی محرمانه ماندن اسامی افراد مورد مطالعه تحت هر شرایطی.

### جامعه و نمونه تحقیق

آمار تعداد مجموعه افرادی که محقق با استفاده از شیوه های ذکر شده، موفق به استخراج و دسته بندی دیدگاههای ایشان گردید، در جدول شماره ۱ آمده است. همانطور که اشاره شده به علت محدودیت های تحقیق، نمی توان این افراد را نمونه ای از شهر، جامعه یا قشری خاص قلمداد کرد. و لذا محقق درصدد تعمیم نظرات شناسائی شده به هیچ جامعه آماری ای نیست. تنها به ذکر این نکته بسنده می گردد که همگی افراد تحت مطالعه در تهران زندگی می کرده اند.

جدول شماره ۱- آمار تعداد افراد مورد مطالعه در تحقیق

ردیف	افراد مورد مطالعه در تحقیق	تعداد نفرات
	مردان متأهل دارای یک همسر دائم	۴۸
	مردان متأهلی که دارای دو همسر دائم بوده و یا تجربه آن را داشته اند	۱۱
	زنان متأهل	۳۵
	زنان متأهلی که همسر دوم بوده اند یا تجربه آن را داشته اند	۱۳
	دختران مجرد بدون تجربه ازدواج (دوشیزگان) در محدوده سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۶۵
	خانمهای مجرد دارای تجربه ازدواج قبلی (بیوه)	۱۸
	مردان مجرد دارای تجربه ازدواج قبلی (بیوه)	۱۴
	مردان مجرد بدون تجربه ازدواج قبلی (بین ۲۰ تا ۳۵ سال)	۷۰
	سالخوردگان (پیرمردان و پیر زنان در محدوده سنی ۶۰ تا ۷۰ سال)	۲۲
	مجموع	۲۹۶

لازم به ذکر است آمار افرادی که وضعیت آنها در طول مدت تحقیق، تغییر کرده است فقط در دسته ای گزارش شده که در اولین اظهار نظر خود جزو آن بوده اند. به عنوان مثال آمار مردی که ابتدا مجرد بوده و سپس ازدواج کرده و در هر دو وضعیت، اظهار نظر داشته است فقط در دسته مردان مجرد منظور گردیده، اما چنانچه اظهار نظر ایشان با تغییر وضعیت تأهل آنها تغییر یافته در متن مقاله بطور ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است.

خاطر نشان می سازد از مجموع ۲۹۶ نفر، وضعیت تأهل ۷۹ نفر در طول دوران تحقیق، تغییر کرده و دیدگاه ۲۱ نفر از این ۷۹ نفر با گذشت یک سال از ازدواج یا جدائیشان به مقادیر متنابهی تغییر یافته بود.

در مجموع ضمن اذعان به محدودیت مربوط به تعیین جامعه آماری و نمونه، چنین ادعا می شود که استخراج دیدگاه ها از منابع اولیه ۱۰ یعنی ارتباط بلاواسطه با اعضای جامعه، نقطه قوت این تحقیق محسوب می گردد.

### دیدگاههای شناسائی شده در قبال همسر دوم

در این قسمت، عمده ترین دیدگاههای به دست آمده از افراد تحت مطالعه، ارائه می شود. یادآوری می گردد نظریات و دسته بندی های استنتاج شده در این بخش محدود به آزمودنی های تحقیق می باشد. لذا محقق در تعمیم این دیدگاهها به کل جوامع شهری و غیر شهری کشور احتیاط نموده و آن را منوط به انجام تحقیقات گسترده تر می داند.

### دیدگاههای خانمهای متأهل

اکثریت مطلق خانمهای متأهل، به شدت در مقابل ازدواج دوم مردان دیدگاه مخالف دارند. ایشان ازدواج دوم مردان را مظهری از هوسرانی و بی وفائی آنها نسبت به همسر اول خود می دانند. این مخالفت از سوی آنها آنقدر جدی است که میگویند اگر روزی متوجه شوند شوهر آنها، همسر دیگری را نیز به عقد خود درآورده بلافاصله تقاضای طلاق خواهند داد.

خانمهای متأهل معتقدند که اگر زن دیگری وارد زندگی شوهر آنها شود، زندگی شان از هم خواهد پاشید. علاوه بر موضوع وفاداری ظاهراً بطور خودآگاه و ناخودآگاه بخش عمده ای از این نگرانی مربوط به سهم ایشان از دارائیهای شوهر است، چرا که زن، خودش را شریک اموال شوهر می داند و طبیعتاً با ورود زن دوم، یک شریک دیگر در اموال او پیدا می شود که چندان خوشایند نیست. به خصوص زمانیکه به آینده فرزندان خود و فرزندان همسر دوم شوهر و سهم ارث آنها می اندیشد، این نگرانی بیشتر می شود.

و بخش دیگری از نگرانی ایشان ناشی از نگاه سرزنش آمیز اطرافیان است. نگاهی حاکی از تحقیر و ترخم احتمالی اطرافیان و یا نگاهی آمیخته با این اتهام که وی در ایفای وظائف و نقش همسری در قبال شوهر خود کوتاهی کرده است.

این گروه در مقابل این ادعا که گرفتن همسر دوّم برای یک مرد به لحاظ شرعی مجاز است و پیامبران و امامان هم اکثراً بیش از یک همسر داشته اند عمدتاً چنین استدلال می کنند که گرفتن همسر دوّم و سوّم توسط بزرگان دینی ما به مقتضای شرایط روز بوده و چنین نتیجه می گیرند که اگر امامان ما نیز در دنیای امروز زندگی می کردند بیش از یک همسر اختیار نمی کردند.

عده ای دیگر هم چنین می گویند که اگر شما امروز مردی را پیدا کردید که به اندازه پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) مرد باشد از نظر ما مجاز است که همسر دوّم و سوّم داشته باشد!

دیدگاه خانمهای متأهلی که متوجه شده اند شوهر آنها همسر دیگری هم دارد

یک مورد از افراد مورد مطالعه در این تحقیق، خانمی بود که هفت سال بعد از ازدواج متوجه شده بود که شوهر وی اخیراً با زن دیگری هم مخفیانه ازدواج کرده است. و یک مورد دیگر، خانمی بود که هشت سال بعد از ازدواج متوجه شده بود که خودش زن دوّم است و شوهرش از قبل، یک همسر دیگر داشته که از او مخفی داشته است. هر دو مورد برای طلاق اقدام کرده اما بعد از طلاق پشیمان شده بودند. بی سر و سامانی بعد از طلاق و به خصوص بی قراری فرزندان، دو عامل اصلی بود که هر کدام از ایشان برای پشیمانی خود ذکر می نمودند.

### دیدگاه دختران مجرد

دیدگاه غالب: تمامی دختران مجرد مورد مطالعه در این تحقیق در وهله اوّل به طور قاطع با این پدیده مخالف بودند. یعنی نه حاضر بودند زن دوّم بشوند و نه می پذیرند که شوهر آینده آنها بعد از ازدواج با ایشان، همسر دوّمی بگیرد. استدلال عمده آنها هم این است که یک انسان نمی تواند در آن واحد، دو نفر را دوست داشته باشد و اگر مردی دو همسر داشته باشد قطعاً یکی از آنها را دوست ندارد.

همچنین اکثریت مطلق دوشیزگان، زن دوّم شدن را یک کسر شأن اجتماعی و خانوادگی می دانند که به هیچ وجه حاضر نیستند به آن تن در دهند.

بطور کلی اکثریت قریب به اتفاق دختران مورد مطالعه ترجیح می دادند تا آخر عمر مجرد بمانند تا اینکه بخواهند زن دوّم بشوند.

با این وجود، برخی از دختران مورد مطالعه در این تحقیق وقتی از جنبه های مختلف پیرامون موضوع وارد بحث می شدند نظر مطلق خود را تا حدودی تعدیل می نمودند. نظرات تعدیل شده برخی از ایشان به قرار زیر است:

شاخص گراها: اگر شرایط، وضعیت اقتصادی، شغلی، موقعیت خانوادگی، اجتماعی و وضعیت جسمی و ظاهری خواستگاران معمول آنها یعنی پسرهای مجرد، پائین تر از حد انتظارات ایشان باشد اما شاخصهای فوق در مورد یک خواستگار که زن دیگری هم دارد، به انتظارات آنها نزدیک باشد ممکن است ترجیح دهند که زن دوم وی بشوند. البته با قید یکسری از شرایط. مثلاً اینکه زن اول او راضی باشد و دیگر اینکه در دو منزل جداگانه زندگی نمایند. همچنین موافقت خانواده خود را شرط اساسی می دانند. سه مورد از دختران تحت مطالعه، جزو این دسته بودند.

ایده آل گراها: در ذهن تعدادی از دختران، شخصیت‌های ایده آلی از هنرمندان، هنرپیشگان، ورزشکاران و یا شخصیت‌های برجسته علمی وجود دارد که اگر فرضاً آن شخصیت ایده آل و محبوب به خواستگاری ایشان بیاید با اشتیاق حاضرند زن دوم وی بشوند. دو مورد از دختران تحت مطالعه از این دسته بودند.

فرزندان چند همسری: دختران خانواده هائی که پدر خانواده دو همسر داشته و تجربه خوبی از زندگی مشترک خانوادگی در کنار خواهران و برادران تنی و ناتنی خود دارند کمی راحت تر با موضوع کنار می آیند و جبهه نسبتاً ملایم تری اتخاذ می نمایند. اما مخالفت دخترانی که پدران آنها دو زن داشته و مادرانشان به راحتی با این موضوع کنار نیامده اند بسیار شدید تر و آمیخته با غضب است.

عشق گراها: یکی از نیروهای قوی که اگر در سنین جوانی در درون یک دختر یا یک پسر شکل بگیرد ممکن است منشاء اصلی تصمیم گیری های او باشد احساس عشق است. در مورد برخی از دختران مجرد هم با وجود تبعیت از رویکرد کلی خانمها در قبال زن دوم شدن، هنگامی که در شرایط احساسی شدید از نوع عاشقانه قرار می گیرند قضیه فرق می کند. یعنی اگر مردی بتواند به طریقی در قلب یک دختر نفوذ کند و یک احساس عاشقانه در وی به وجود آورد، ممکن است بتواند رضایت و حتی اشتیاق او را برای ازدواج به دست آورد، حتی اگر وی همسر دیگری داشته باشد. محقق در طول تحقیق حاضر، به پنج مورد از اینچنین دختران بر خورد نمود. ایشان در پاسخ به این سؤال که در مقابل مخالفت خانواده خود چه جوابی دارند، می گفتند: "من پدر و مادرم را راضی می کنم و او هم همسر اولش را قانع کند". چنین برداشت می شود که اگر احساس عاشقانه اینگونه دختران برانگیخته شود حاضرند برای رسیدن به عشقشان ناملاپمات و سرزنش ها را به جان بخرند. البته در مورد پسران هم این مطلب تا حد زیادی صادق است.

اما با در نظر گرفتن سن افراد تحت مطالعه، به نظر می رسد با افزایش سن، اینگونه احساسات عاشقانه نسبتاً فروکش می کند و در سنین بالاتر، بیشتر ملاکهای عقلی است که مبنای انتخاب دخترها در امر ازدواج قرار می گیرد.

دخترانی از خانواده های فقیر: معمولاً در خانواده های فقیر، دختران مانند بقیه اعضای خانواده دائماً با سرخوردگی ناشی از نرسیدن به خواسته ها مواجهند. برخی از این دختران در ذهن خود منتظر یک فرشته نجات هستند که آنها را از فقری که یک عمر با آن دست به گریبان بوده اند نجات دهد. حال اگر این فرشته نجات، یک زن دیگر هم داشته باشد ممکن است از نظر ایشان اشکالی نداشته باشد. برخی از این دختران بعد از ازدواج به عنوان زن دوّم با مردی که به لحاظ سنی مناسب آنها می باشد به شرط تامین یک زندگی بالاتر از خط فقر، و تحقق یک سری انتظارات، خود را خوشبخت می بینند و کمتر پیش می آید که احساس پشیمانی کنند. به خصوص زمانی که بچه دار شده و روند رشد فرزندشان را خوب ارزیابی می کنند. دو مورد از افراد تحت مطالعه در این دسته جای گرفتند.

اما در مواردی که اختلاف سنی زیاد بوده و بعد از گذشت چند سال، مرد به مرحله پیری می رسد، سرخوردگی و پشیمانی شدیدی در زنان دوّم ایشان بروز می نماید حتی اگر به لحاظ معیشتی، زندگی خوبی برای ایشان فراهم شده باشد. سه مورد از افراد تحت مطالعه در چنین وضعیتی دچار بودند.

این درحالیست که در بسیاری از خانواده های فقیر، فقر عامل اصلی تأثیر گذار در تصمیم گیری های آنها نیست. به عبارت دیگر هم دختر و هم خانواده وی، مواضعی دارند که حتی در سخت ترین شرایط هم حاضر به عدول از آنها نیستند. ایشان تکرار یک زندگی سراسر فقیرانه را که در آن اصول مورد نظرشان حفظ شود کاملاً بر زن دوّم شدن ولو در سایه ثروت و رفاه ترجیح می دهند. پنج مورد از دختران تحت مطالعه در این دسته قرار گرفتند.

دختران بلند پرواز: دختران بلند پرواز، در این مقاله به دخترانی اطلاق می شود که سطح خانوادگی آنها متوسط بوده اما معیارهای آنها برای ازدواج و تشکیل زندگی بسیار بالاتر از حد متوسط است. اینگونه دختران، داشتن یک خانه شیک، اتوموبیل اختصاصی، پوشاک و زیورآلات گران قیمت را از ملزومات اولیه زندگی می دانند. ایشان حاضر نیستند زندگی ای را شروع کنند که در آن مطمئنند حداقل ده سال باید اجاره نشینی را تحمل کنند و بعد از مثلاً سی سال زندگی مشترک هنوز به آرزوهای اولیه خود نرسیده باشند.

این دسته با اشتیاق حاضرند همسر دوّم مردی بشوند که بتواند زندگی بلند پروازانه ایشان را برایشان فراهم سازد. تا اینکه به خواستگاری از خانواده هم سطح خود جواب مثبت بدهند. شش مورد از دختران تحت مطالعه چنین دیدگاهی داشتند.

دیدگاه غالب دختران با تحصیلات دانشگاهی: بیشتر دختران تحصیل کرده با افزایش سطح تحصیلات خود مخالفت بیشتری با چند همسری پیدا می کنند. عمده ترین علت تشدید این موضع گیری آن است که معمولاً خانمها تحصیلات را یک عامل افزایش شان اجتماعی و همسر مرد دو زنه بودن را یک کسر شأن می دانند، لذا از دید ایشان برای یک دختر تحصیل کرده در مقایسه با یک دختر بدون تحصیلات، زشت تر است که همسر مردی باشند که یک زن دیگر هم دارد.

دیدگاه اقلیت دختران تحصیلکرده: علی رغم محسوس بودن رابطه ای مستقیم بین افزایش سطح تحصیلات و شدت مخالفت با چند همسری در خانمها، اقلیتی از دختران تحصیلکرده وجود دارند که با استدلالات خود، راحت تر از افراد غیر تحصیلکرده با این موضوع کنار می آیند. علت اینکه اینگونه دختران در یک دسته جداگانه طبقه بندی شده اند، مشابهت ایشان در دخالت دادن فاکتورهای مختلف در تجزیه و تحلیلها و توانمندی ایشان در بحث و استدلال می باشد که محقق این توانمندی در مباحثه را ناشی از تحصیلات قلمداد کرده است. چهار نفر از دختران تحت مطالعه در این تحقیق، چنین دیدگاهی داشتند.

نقل قول زیر، دیدگاه یکی از اعضای این دسته با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد را بیان می دارد که با استدلال اعضای دیگر در این گروه بسیار نزدیک بوده است:

"اولاً من به اصل ازدواج، قویاً معتقدم و باور دارم که شخصیت انسان تا ازدواج نکند کامل نمی شود هر چند که تحصیلات او بالا باشد. همچنین اگر عمر من تمام شود و از من، خانواده، فرزند و نسلی باقی نماند احساس می کنم عمرم به هدر رفته است. از طرف دیگر با افزایش تحصیلات، معیارهای من برای ازدواج بالاتر رفته است. شوهری می خواهم که تحصیلات بالاتر داشته باشد، خوش تیپ تر باشد، منزلت اجتماعی بالاتر داشته باشد و شاخصهای دیگر. حال اگر چنین خواستگاری پیدا شود که یک زن دیگر هم داشته باشد البته به شرط احساس علاقه متقابل، او را به خواستگاری که پسر باشد و این شاخصها را نداشته باشد ترجیح می دهم.

به اعتقاد من، یک دختر تحصیل کرده، در مقایسه با یک دختر معمولی، می تواند نقش پررنگ تری در شکل دادن به یک زندگی مشترک داشته باشد و از بحث نیازهای عاطفی و اجتماعی که بگذریم، نیاز کمتری به حضور فیزیکی شوهر دارد. من با اینکه شوهرم هفته ای سه روز همسر من و هفته ای چهار روز همسر زن دیگر خود باشد مشکلی ندارم. در واقع من به شاخصهای دیگر شوهر که برخی از آنها را برشمردم بیش از حضور مداوم او اهمیت می دهم. ضمناً حضور یک زن دیگر در زندگی شوهر به شرط آنکه او هم با این قضیه کنار بیاید و به شرط آنکه هر سه نفر به بلوغ فکری رسیده باشند تهدیدی برای زندگی زن محسوب نخواهد شد."

یادآوری این نکته ضروری است که دیدگاههای ارائه شده از دسته های مختلف دختران لزوماً به معنای تحقق آنها نیست. چرا که در جامعه ما برای بسیاری از دختران آنچه که به اندازه دیدگاهشان و یا حتی بیشتر از دیدگاه و تمایل خودشان در ازدواجشان تأثیر گذار است نظر والدین آنهاست.

### دیدگاه خانمهای مطلقه

دیدگاه های خانمهای مطلقه و خانمهایی که همسر آنها فوت کرده بسیار متنوع به نظر می رسد. خانمهایی که تجربیات تلخی از دوران ازدواج قبلی خود دارند تا مدتی پس از جدائی از همسر خود، بطور کلی موضوع

ازدواج مجدد را رد می کنند. چنین اذعان می دارند که دیگر تا آخر عمر ازدواج نخواهند کرد. اما به نظر می آید با گذشت زمان، در موضع خود تجدید نظر می نمایند.

بسیاری از خانمهای این دسته برای ازدواج مجدد همان موضع کلی خانمها را دارند و تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند همسر دوم بشوند. عده قابل توجهی از افراد این دسته در صورت احراز یک سری شرایط حاضرند همسر دوم بشوند. در واقع سخت گیری خانمهایی که قبلاً تجربه ازدواج داشته اند در مقایسه با دوشیزگان، نسبت به اصل موضوع تا حدی کمتر است، گرچه تحقق آن را مشروط به یکسری عوامل می نمایند. در بین این شرایط، خصوصیات اخلاقی - شخصیتی و شاخصهای اقتصادی شوهر، بیشتر به چشم می خورد.

مواردی وجود دارد که نشان می دهد آنچه که عشق نامیده می شود می تواند در هر زمان بر سایر شاخصها سایه افکنده و عامل اصلی تصمیم گیری محسوب شود. مثلاً یک مورد از افراد تحت مطالعه، خانمی بود که در دوران جوانی خود عاشق و معشوق یک نفر بوده ولی به علت عدم توافق خانواده ها موفق به ازدواج با او نگردیده و هر یک از آنها با شخص دیگری ازدواج کرده است. این خانم سالها بعد، به دلیل عدم تفاهم از همسر خود جدا می شود. خواستگار اول او که در آن زمان یک زن و دو فرزند هم داشته برای ازدواج با این خانم دوباره پا پیش می گذارد. خانم مورد بحث هم که دوباره همان جوانه های عشق را در خود زنده می یابد با وجود داشتن چند خواستگار دیگر، به خواستگاری او پاسخ مثبت می دهد و ترجیح می دهد که همسر دوم معشوق خود باشد.

در عین حال، درصد بالایی از خانمهایی که به علت طلاق یا فوت همسر، سرپرست خانواده خود را از دست داده اند و در امرار معاش دچار مشکل هستند برای یافتن پناهگاه حاضرند همسر دوم بشوند.

اگر خانواده یک خانم بیوه از عهده سرپرستی مالی او برنیایند یا به لحاظ فرهنگی شرایط پذیرش او را نداشته باشند، اگر خانم بیوه، شغل، حقوق و یا مستمری نداشته باشد و به خصوص اگر فرزندی داشته باشد که سرپرستی آنها هم برعهده او باشد در چنان شرایط سختی قرار می گیرد که یا باید به کارهای خیلی سطح پائین و تکدی گری روی آورد، یا پای او بلغزد یا اگر پیشنهادی برای ازدواج داشته باشد بپذیرد. طبیعتاً ازدواج بسیار آبرومندانه تر است، ولو اینکه به عنوان زن دوم باشد. در اینگونه موارد، زن در موضعی نیست که بتواند چندان شرط و شروط تعیین کند. پنج مورد از افراد تحت مطالعه، چنین وضعیتی داشتند. در واقع ایشان بنا بر اضطرار و نه به واسطه خشنودی یا رضایت قلبی حاضرند زن دوم بشوند. اما در هر حال زن دوم شدن را بر دیگر راهکارهای فرارویشان ترجیح می دهند.

## خانمهای دچار مشکلات پزشکی

برخی از خانمهای دچار مشکلات پزشکی که قادر به باردار شدن و یا ایفای نقش زناشویی نیستند به ازدواج دوم همسر خود رضایت می دهند، گرچه اغلب، پس از ازدواج دوم همسر خود، احساس ناخوشایندی به آنها دست می دهد و تصمیم بر جدائی می گیرند.

### دیدگاه پسران مجرد در آستانه ازدواج

در این دسته، افرادی مورد بررسی قرار گرفتند که به نظر می رسد به لحاظ سنی آمادگی ازدواج را داشته و همچنین وضعیت نظام وظیفه و شغل آنها تقریباً روشن شده باشد. هر چند که آمادگی اقتصادی آنها قابل تفسیر بوده است.

اکثر قریب به اتفاق پسران مجرد، کلیت این بحث را بی معنی می دانند. ایشان می گویند وقتی بسیاری از جوانان ما قادر نیستند حتی یک زن بگیرند، بحث زن دوم بی معنی است. می گویند اگر قرار است مشکلی حل شود بیائید مشکل ازدواج جوانان را حل کنید. بیست و دو نفر از افراد تحت مطالعه چنین دیدگاهی داشته اند.

عده قابل توجهی صراحتاً با چند همسری مخالفت می نمایند. صاحب دیدگاه هستند و برای مخالفت خود، دلائل متفاوتی قائلند.

عده ای بطور علنی یا پنهان عاشق یک دختر هستند و فقط به او فکر می کنند. لذا از دید ایشان نیز اصلاً مطرح کردن بحث زن دوم بی معنی است. چهارده مورد از افراد تحت مطالعه، این دیدگاه را داشته اند.

عده قابل توجهی از آنها معتقدند که اینگونه سوالات را باید فقط از مسئولین و صاحبانظران پرسید. این دیدگاه از ده نفر از افراد تحت مطالعه استنتاج گردیده است.

اما نکته جالب آن است که بی نظری و بی طرفی پسران در مورد زن دوم، چند سال بعد از ازدواج ایشان بطور محسوسی تغییر می یابد و به طور معنا داری دارای نگرش و دیدگاه می شوند. پانزده مورد از افراد تحت مطالعه، اشخاصی بوده اند که دیدگاه ایشان یک سال بعد از ازدواج تغییر کرده است و به جای بی طرفی به یکی از دسته های مخالف یا موافق پیوسته اند. از آنهایی که در دسته مخالف قرار گرفته اند شش نفر کلاً از ازدواج پشیمان شده و حتی با ازدواج اول هم مخالفت یافته اند.

## دیدگاه مردان متاهل

نگرش و موضع مردان متاهل در مورد زن دوّم بسیار متنوّع است. دیدگاههای شناسائی شده در این دسته به قرار زیرند:

بسیاری از ایشان در وهله اوّل باجملاتی نظیر: "آدم عاقل دو بار اشتباه نمی کند" و یا "یک بار ازدواج کردیم واسه هفت پشتمون بسه!" موضع خود را در قبال این موضوع ابراز می دارند. این در حالیست که اعتقاد قلبی ایشان ممکن است متفاوت باشد.

دسته ای از مردان متاهل، عاشق همسر خود هستند. بنابراین اصلاً به زن دیگری فکر نمی کنند. این حالت تا پنج- شش سال بعد از ازدواج بر بخش قابل توجهی از مردان حاکم است. با گذشت زمان ممکن است عشق ایشان، تثبیت، بیشتر یا کمتر شده و لذا قضیه تا حدودی عوض شود.

تولد فرزند، چهره زندگی را برای بسیاری از مردان تغییر می دهد. برای بسیاری از ایشان عشق به فرزند از یک طرف و دغدغه های مربوط به بزرگ کردن آنها از طرف دیگر تقریباً تمام فضای باقیمانده ذهنیشان را به خود اختصاص می دهد. لذا بحث زن دوّم برای بیشتر مردانی که پدر می شوند موضوعیت چندانی ندارد.

برخی از مردان بعد از ازدواج، موفقیت ها و موقعیتهای شغلی، اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی را به دست می آورند. با افزایش این موفقیتها ممکن است این فکر در ذهنشان متبادر شود که اگر ازدواج نکرده بودم موقعیتهای بهتری برایم پیش می آمد! حال اگر به هر دلیل، جدا شدن از همسر اوّل برای ایشان مشکل آفرین باشد و نخواهند به سمت جدائی از او بروند، گرایش زیادی برای ازدواج دوّم در ایشان به وجود می آید. حال اینکه این انگیزه در عمل، منجر به ازدواج دوّم بشود یا نه، به عوامل مختلفی بستگی دارد.

برخی از مردان معتقدند که زن و مرد ماهیتاً تفاوت دارند. بر مبنای این تفاوت ماهیتی، نیاز و همچنین توان جسمی و روحی مرد برای همسر داری بیش از زن است. درحالیکه زن فطرتاً با داشتن تنها یک مرد، سازگارتر است. این دسته معتقدند که اگر ازدواج دوّم به عنوان مجرائی سالم برای پاسخگویی به این نیاز ماهیتی مردان پذیرفته نشود، انگیزه درونی بحث شده، مرد را به سمت برقراری ارتباط نامشروع با زنان دیگر سوق می دهد.

عده ای با نگرش جامعه شناسانه، ازدواج دوّم مردان را راهکاری برای کمک به زنان و دخترانی می دانند که به دلایل مختلف فرصت یک ازدواج موفق به عنوان زن اوّل را نداشته و یا از دست داده اند. این دسته معتقدند زنان و دختران بسیاری در جامعه وجود دارند که نیاز به سرپرست دارند در حالیکه فرصت ازدواج معمولی و یافتن یک شوهر مجرد که سرپرستی آنها را برعهده بگیرد را ندارند. سیستم تامین اجتماعی در کشور ما هم نمی تواند بطور موثر در امرار معاش این دسته از زنان کمک نماید. بسیاری از این زنان ممکن است سرپرستی افراد دیگر مانند فرزند، خواهر و برادر کوچکتر یا پدر و مادر از کار افتاده خود را نیز بر عهده

داشته باشند. حال اگر این طیف از زنان نتوانند برای تامین زندگی خود و افراد تحت تکفل شغلی پیدا کنند، این خطر وجود دارد که به فساد روی آورند. با این دیدگاه اگر مردی متمکن بتواند در قالب ازدواج دومی سرپرستی چنین زنانی را بر عهده بگیرد کمک بزرگی به ایشان و جامعه کرده است.

برخی از مردان، مدت کوتاهی بعد از ازدواج به دلایل مختلف از همسر اول خود جدا می شوند. این دسته اگر دارای فرزند شده و حزانت آن را بر عهده گرفته باشند به دنبال همسری می گردند که به بهترین وجه بتواند در پر کردن نیمه خالی خانواده به خصوص برای فرزندان مفید واقع شود. با فراز و نشیب هائی که این دسته پشت سر می گذارند بعید به نظر می رسد که به زن دوم هم فکر کنند. اما اگر از ازدواج ناموفق قبلی خود دارای فرزند نشده باشند دوباره وضعیتی مشابه پسرهای مجرد پیدا می کنند و دیدگاههایشان در کنار آن گروه قابل دسته بندی است.

با افزایش سن مردان، چند اتفاق رخ می دهد. یکی اینکه میل جسمی و روحی ایشان به جنس مخالف تا حدی کاهش می یابد. حتی اگر هم کاهش نیابد به دلیل رشد عقل، بیشتر تحت سیطره عقل قرار می گیرد. دوم آنکه به دلیل بالا رفتن سن، "درد سر گریز" می شوند. سوم اینکه فرزندان آنها بزرگ شده و در سن ازدواج قرار می گیرند. در چنین شرایطی، مرد در موضع گیری در قبال چند همسری به جای آنکه خود را محور فرض کند و بر اساس آن اظهار نظر نماید، فرزند خود را محور قرار داده و تبعات موضوع را روی آن مبنا قرار می دهد. لذا مردان بالای چهل و پنج سال، معمولاً با چند همسری مخالفند و در مخالفت خود صادقند. مگر آنکه جزو افرادی باشند که خود از قبل، دو همسر یا بیشتر اختیار کرده اند.

دسته ای از مردان معتقدند که اگر شرایط حاصل است باید زن دوم را گرفت و نیازی به بحث نیست! مواردی از افراد تحت مطالعه در این تحقیق، مردانی بوده اند که دو یا سه همسر داشته اند و طوری هر دو/سه زندگی را مدیریت کرده اند که هیچیک از زنان ایشان از وجود زنان دیگر با خبر نبوده است. در یک مورد، بعد از فوت شوهر، زنان وی و فرزندانشان از وجود زنان و فرزندان دیگر مطلع گشته اند. بیشترین افرادی که در این قشر قرار می گیرند، مردانی با اعتقادات مذهبی قوی تر هستند. همچنین دو مورد از افراد تحت مطالعه، مردانی بودند که دو زن داشتند و آشکارا توانسته بودند هر دوی آنها را قانع و سرپرستی کنند بدون آنکه با مشکل خاصی مواجه شوند.

دسته ای از مردان، فقط از زاویه جنسی به موضوع می نگرند و چنین ابراز می دارند که وقتی مرد می تواند به راحتی و با هزینه کم در جامعه مواردی را بیابد که نیازهای مازاد خود را فرو بنشانند چه نیازی است که زیر بار تعهدات ازدواج برود و موضع گیری زن اول و دردسرهایی دیگر را به جان بخرد. بنابراین ایشان هم جزو دسته مخالفان چند همسری قابل دسته بندی اند. دوازده مورد از مردان متأهل و ۱۶ مورد از مردان مجرد مورد مطالعه در این تحقیق چنین دیدگاهی داشته اند.

## دیدگاه مردان و زنان سالخورده

داشتن همسر دوّم و سوّم برای یک مرد در گذشته کشور ما امری عادی بوده است. گذشته ای که خیلی هم دور نیست. بسیاری از پیر مردان و پیرزنان امروز جامعه ما افرادی هستند که خودشان این موضوع را تجربه کرده اند یا در خانواده های چند همسری بزرگ شده، و یا در اطرافیان نزدیک خود شاهد این پدیده بوده اند. از نظر اغلب ایشان گرفتن بیش از یک زن برای یک مرد نشانه مردانگی بیشتر است. و زن دوّم شدن هم چندان کسر شان نیست. نکته جالب است که این دسته، دیدگاه خود را در مورد پسران و عروسهای خود تا حدود زیادی حفظ کرده اند، اما در مورد دختران و دامادهای خود، نه!

## دیدگاه هنرمندان

به دلیل تأثیر قابل توجهی که محصولات هنری پر محتوا روی مخاطبان دارند، دیدگاه هنرمندان حائز اهمیت ویژه است. به جرأت می توان ادعا نمود که دیدن یک فیلم سینمایی قوی که یک پیام خاصی را در بر دارد، تأثیر عمیقی روی مخاطبان می گذارد، بطوریکه تفاوت معنی داری بین نظر مخاطبین قبل و بعد از تماشای فیلم قابل انتظار است. به همین دلیل شایسته است که در فرهنگ سازی های اجتماعی به هنرمندان و دیدگاههای آنها توجه ویژه ای معطوف شود.

در این مقاله صرفاً به بیان این مطلب که در بین هنرمندان نیز در قبال چند همسری، اختلاف دیدگاه وجود دارد بسنده می شود. در فیلمی همچون "زن دوّم" قویاً این دیدگاه القاء می شود که زن دوّم شدن پدیده ای ناهنجار و غیر قابل تحمل است. شخصیت اصلی فیلم ترجیح می دهد که تا آخر عمر مجرد بماند و یا با مردی که به لحاظ جسمی معلولیت دارد زندگی کند تا اینکه زن دوّم مردی باشد که عاشقانه همدیگر را دوست داشتند.

در حالیکه در فیلمهایی همچون: "چتری برای دو نفر" و "نصف مال من، نصف مال تو" هنرمندان، زندگیهای را به تصویر می کشند که در آنها داشتن دو زن برای یک مرد نه تنها به مذاق بیننده غیر قابل تحمل به نظر نمی آید بلکه بیننده در پایان فیلم قلباً نمی خواهد که هیچیک از شخصیتهای زن از شوهر جدا شود.

در مثالی خارجی، تهیه کنندگان سریال تلویزیونی "افسانه جومونگ" به ظرافت، شرایطی را به تصویر می کشند که در آن، هنر پیشه نقش اول فیلم در شرایطی قرار می گیرد که دو بار ازدواج می کند. او هر دو همسر خود را عاشقانه دوست دارد و هر دو او را. هیچیک از زنها با دیگری حسادت نمی کند و هیچکدام بانوی دوّم شدن را کسر شان خود نمی داند.

بیننده بی اختیار مایل است که نقش اول سریال با هر دو زنش به زندگی ادامه دهد و نمی پسندد که یکی از آن دو بخواهد از او جدا شود.

در هر حال چه برای قبیح نشان دادن و چه برای پسندیده نشان دادن موضوع چند همسری و فرهنگ سازی در راستای هر کدام که به صلاح جامعه باشد، کارهای هنری به خصوص فیلمهای سینمایی و سریالهای تلویزیونی، از کارآمدترین ابزارها به شمار می روند.

## نظرات خبرگان جامعه

کیفیت نقطه نظرات خبرگان از چند جهت با عوام تفاوت دارد:

عوام در ارزیابی و اظهار نظر در مورد یک مسئله اجتماعی، قبل از هرچیز اثرات آن بر خود و نزدیکان خود را ملاک قرار می دهند، یعنی دیدگاهی خود محور دارند. اما یک فرد خبره بیشتر به اثرات آن بر کل جامعه توجه می نماید.

فرد غیر متخصص، معمولاً مولفه های کمتری را در ارزیابی های خود دخالت می دهد درحالیکه فرد متخصص تلاش می کند حداکثر مولفه های ممکن را در تحلیلهای خود وارد نماید.

برخورد عوام با مسائل اجتماعی معمولاً بصورت صفر و یکی است، یعنی یک پدیده را بطور مطلق ردّ یا قبول می کنند. اما خبرگان اغلب از اظهار نظر مطلق، احراز نموده و فایده مندی یا مضرات اجتماعی یک پدیده را به یک سری شرایط فردی و اجتماعی منوط می نمایند.

نظرات عوام به شدت تحت تأثیر نظرات دیگران قرار می گیرند. یعنی یک فرد ممکن است تحت تأثیر جوّ حاکم بر یک دوره زمانی یا مکانی خاص به جای آنکه خود، نظری داشته باشد به گونه ای ناخود آگاه صرفاً بازگو کننده و مدافع دیدگاههای اطرافیان، خانواده، دوستان، یک فرد خاص و یا رسانه ها باشد. اما خبرگان ضمن توجه به نقطه نظرات مختلف، خود، دارای اندیشه نقاد و تحلیل گر هستند و دیدگاههای ایشان از صلابت بیشتری برخوردار است.

به دلائل مختلف، اظهار نظر افراد عادی کمتر جلب توجه میکند هر چند صحیح باشد، لذا نمی تواند منشاء تحولات چشمگیر فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد. در حالیکه دیدگاههای ابراز شده توسط صاحب نظران و به خصوص افراد مشهور همواره در معرض توجه قرار داشته و می تواند منشائی برای تحولات باشد.

لذا در مجموع، شناسائی و انعکاس نظرات خبرگان مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور در اینگونه تحقیقات از اهمیت بی بدیلی برخوردار است. در تحقیق حاضر به شناسائی دیدگاههای عوام بسنده گردیده، لیکن

تحصیل و استفتاء جامع و نظام مند ۱۲ نظرات خبرگان در این راستا قویاً به سایر محققین محترم توصیه می شود.

از نظر نگارنده، پویش نظرات و دیدگاههای خبرگان زیر در این مقوله حائز اهمیت فراوان است:

اساتید و متخصصین محترم علوم اجتماعی

اساتید و متخصصین محترم علوم تربیتی

اساتید و متخصصین محترم روانشناسی

اساتید و متخصصین علوم تربیتی کودکان و جوانان

مشاورین محترم خانواده

اساتید و متخصصین حقوق به ویژه قضات و وکلای رسیدگی به مشکلات خانواده ها

مدیران محترم کانون ها و انجمنهای دفترداران ازدواج

اعضای محترم کانونهای حمایت از زنان و خانواده ها

اعضای کمیسیون های تخصصی مسائل اجتماعی و خانواده در قوای مقننه و قضائیه

مراجع عظام تقلید

و سایر صاحب نظران و مسئولان اجرائی مرتبط با موضوع به تشخیص محققین

### نتیجه گیری و توصیه

مخالفان و مدافعان چند همسری در یک چیز مشترک هستند و آن این است که هر دو داعیه حمایت از خانواده، حمایت از حقوق زنان و فرزندان و جلوگیری از اشاعه فساد در جامعه را دارند. اما این انتقاد به هر دو قشر وارد است که بیش از آنکه وضعیت، دیدگاه، باور و تمایل مستقیم اعضای جامعه را تحقیق و بازگو نمایند بیشتر با اتکا به تحلیلهای نظری با پشتوانه های تئوریک جامعه شناسی، حقوق و مذهب سعی در اثبات دیدگاه خود داشته اند.

بر خلاف آنکه دیدگاه‌های موجود در قبال چند همسری در وهله اول به دو دسته کلی مخالف و موافق قابل تقسیم بندی اند، در عمل تنوع بسیار زیادی در دیدگاه‌های اقشار مختلف جامعه در این باب مشاهده می شود. این دیدگاهها تا کنون کمتر از طریق تحقیقات میدانی، شناسائی و تبیین شده اند. آنچه که در کتابها، مجلات، روزنامه ها و سایتهای اینترنتی در این باب قابل مشاهده و مطالعه است عمدتاً دیدگاههای صاحب نظران است که به نوبه خود، قشر محدودی از جامعه را تشکیل می دهند.

تحقیقات میدانی در خصوص کیفیت زندگی و دیدگاههای مردان و زنان درگیر در زندگی های چند همسری و میزان رضایتمندی/ گله مندی آنها می تواند به واقع بینانه تر شدن نظریه پردازی های تئوریک در نقد چند همسری در جامعه مفید کمک شایانی بنماید. همچنین انجام تحقیقات تجربی و مقایسه ای بین فرزندان چند همسری با فرزندان خانواده های تک همسری می تواند به نحو قابل توجهی اعتبار نظریات تئوریک را در باب رشد ایشان، محک بزند.

زنان و دختران جامعه ما به لحاظ متغیرهایی چون: سن، تحصیلات، شرایط خانوادگی، وضعیت اقتصادی، اعتقادات مذهبی، تمایلات درونی و غیره، در گروههای مختلفی قابل تقسیم بندی اند. عدم توجه به این تفاوتها موجب می شود که هر نسخه ای که با یکسان نگری، برای حمایت از حقوق زنان پیچیده شود نتواند برای همه ایشان مفید باشد و همواره اقلی از زنان و دختران خواهند بود که از نسخه پیچیده شده، متضرر می گردند. لذا قویاً به صاحب نظران و مسئولان توصیه می شود در نظریه پردازی ها و قانونگذاری ها از یکسان نگری به جامعه زنان و مطلق گرایی در برخورد با مسائل اجتماعی از جمله موضوع چند همسری اجراز نمایند.

در این مقاله تلاش گردید نتایج یک تحقیق میدانی مستقل و بدون پیش فرض که در راستای شناسائی دیدگاههای موجود در جامعه در باب چند همسری به عمل آمده است به گونه ای دسته بندی شده ارائه شود.

انجام تحقیقات میدانی گسترده تر با فرضیات مشخص در خصوص تأثیرات و پیامدهای مثبت یا منفی چند همسری بر سلامت جامعه، قوام خانواده، حقوق زنان و فرزندان، توصیه جدی محقق به مسئولان، محققین و نظریه پردازان است.

## منابع و مراجع

- مطهری، مرتضی. "نظام حقوق زن در اسلام"، چاپ ۳۱، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
- محمدی، مریم. "ماده شانزدهم کنوانسیون زنان از نگاه فقه شیعه"، انتشارات بوستان، ۱۳۸۷.
- رمضان نرگسی، رضا. "بازتاب چند همسری در جامعه"، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۴.
- قراچورلو، رزا. "نقد و بررسی لایحه جدید حمایت از خانواده"، مجله الکترونیک زنان ایران امروز، ۳ آبان ۱۳۸۸.
- ندوشن، عباس. عباسی شوازی، محمد جلال. صادقی، رسول. "مادران، دختران و ازدواج- تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد"، نشریه مطالعات راهبردی زنان، نسخه شماره ۴۴ - تابستان ۱۳۸۸.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول دهم و بیست و یکم.
- کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۹.
- قراچورلو، رزا. توکلی، نیره. "بررسی تطبیقی چند همسری و نکاح منقطع در ایران"، سخنرانی ارائه شده در نشست خانواده و ازدواج، انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۷/۲/۳۰.
- "ممنوعیت چند همسری در کشورهای غربی"، روزنامه ابتکار، نسخه شماره ۱۲۶۰، مرداد ۱۳۸۷.
- "بررسی مذهبی- جغرافیایی چند همسری در نقاط مختلف جهان"، دانشنامه آزاد ویکی پدیا. قابل مشاهده از طریق لینک:  
<http://en.wikipedia.org/wiki/Polygamy>
- "Polygamy a factor in marriage debates", an religious view to polygamy, 2004, in "  
access vie: [http://www.religionlink.com/tip\\_040329b.php](http://www.religionlink.com/tip_040329b.php)